

# استخوان های لای زخم در تفاهم نامه لوزان

امیرفیض- حقوقدان

ضرب المثل معروفی داریم که میگوید (از هول حلیم دردیگ افتادن) این مورد بدان جا بکارگرفته میشود که کسی شتاب درکاری دارد بدون توجه به عواقب آن؛ حالت مزبورتنها از باب شتاب و عجله در کار بوجود نیاید بلکه رکن اصلی برای افتادن دردیگ گرفتاری عدم بصیرت است.

بصیرت یا بینش، نوعی دید درونی است که با درک حاصله از دید چشم تفاوت دارد شاید بتوان گفت که بصیرت نوعی بیداری عقل است نسبت به اموری که غالباً عقل، از راه سمع و بصر به آن وارد نشده است.

## سمت این تحریر

سمت این تحریرمتوجه موضوعاتی است که در مناقشه بین آمریکا و ایران که بصورت موافقتنامه ژنو و تفاهم نامه آمریکا جاری است دیده نمیشود ولی بصیرت و هشجاری اقتضای توجه به آنرا دارد.

اشاره بالا را نباید به این معنا گرفت که این تحریر میخواهد آنچه که گم شده در مذاکرات و تصمیمات هسته ای ایران است بازگو کند زیرا محرر این تحریر، نه در مذاکرات شرکت داشته و نه دستی کامل و جامع در اسناد و مذاکرات دارد، لذا این تحریر در مسیرنسبیت است نه جامعیت.

## گم شده اول

در موافقتنامه ژنو در دوجا این تصریح دیده میشود؛ <تازمانی که همه چیز مورد توافق قرار نگیرد، توافقی صورت نخواهد گرفت>

عبارت همه چیز، بسیار کلی است و میتواند به تمام اختلافات کلی و جزئی بین آمریکا و ایران از عهد قدیم تاکنون تسری داشته باشد. ولی از آنجا که همه اختلافات کلی و جزئی در موافقتنامه ژنو اعلام نشده و شمول موافقتنامه رابه اموری که مشخص و معلوم نیست نمیتوان تسری داد، لذا فرض را بر آن میگذاریم که مقصود از <همه چیز مورد توافق قرار گیرد>:

موضوعاتی است که در موافقت نامه ژنو قید شده است. در این صورت اختلافات مشمول موافقتنامه ژنو بر دو دسته تقسیم شده است یکی نگرانیهای آمریکا از فعالیت هسته ای و دوم اتهام ایران در بی ثبات کردن خاورمیانه و حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر.

در حالیکه تفاهم نامه وزارت خارجه آمریکا که آن کشور انتظار اجرای آنرا از طرف جمهوری اسلامی دارد فقط مربوط به فعالیت هسته ای رژیم ملایان پیاده شده است و نسبت به موضوع دوم یعنی حقوق

بشروبی ثبات کردن منطقه ویا حمایت از تروریسم نه در دستور مذاکرات بوده ونه در تفاهم نامه قید شده است.

### نتیجه اینکه،

به عبارت تصریحی در موافقت نامه ژنو، برفرض اینکه جمهوری اسلامی در بست تفاهم نامه وزارت خارجه آمریکا رابپذیرد، موافقت جمهوری اسلامی سبب تکمیل راه حل جامع وانجام آن نمیشود زیرا در توافقنامه آمده است: <هیچگونه توافقی در زمینه راه حل جامع صورت نمیگیرد مگر اینکه در تمام زمینه ها توافق حاصل شود>. مقصود از تمام زمینه ها، موضوعات ادعائی آمریکا نسبت به حقوق بشرو حمایت از تروریسم وغیره است، و این یک استخوان لای زخم است.

این استخوان لای زخم به آمریکا امکان میدهد که نه تنها تمام تحریم های کنگره را همچنان حفظ کند بلکه موضوع ۱۰۰ میلیارد پول ایران (که امروز به ۱۸۰ میلیارد دلار رسیده) که صادره آمریکاست به زمانی نا معلوم که بین آمریکا وایران نسبت به مواردی که در تفاهم نامه آمریکا ذکر نشده (حقوق بشرو حمایت از تروریسم وغیره) موکول شود و به بهانه اینکه <در همه زمینه ها توافق نشده> تحریم ها بعلاوه پول ایران بلا تکلیف بماند.

### توافق یک مرحله ای

توافق یک مرحله ای که خواست ملایان حاکم بر ایران است با ماهیت موافقتنامه ژنو بشرحی که ملاحظه کردید، تطبیق مینماید یعنی راه حل جامع باید نسبت به مسائل هسته ای وحقوق بشری و دیگر مواردی باشد که در موافقتنامه ژنو قید شده است، در حالیکه تفاهم نامه آمریکا فقط متوجه یک قسمت از ادعاهای آمریکا مربوط به فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی است و برای رسیدن به تفاهم قسمت دیگر ادعاهای آمریکا مانند حقوق بشرو تروریسم وامثال آنها یک سری مذاکرات ومخالفت ها لازم میشود تا به تفاهم نامه دیگری برسد که نه مدت آن معلوم است ونه سرنوشت آن.

عامل اصلی در مورد حل وفصل ادعای آمریکا به نقض حقوق بشرو تروریسم وغیره برخلاف فعالیت های هسته ای که امر فنی وقابل کارشناسی میباشد امری سیاسی وبهانه است، وهمین مشکلی میشود که لغو تحریم ها وسرنوشت پولهای ایران معلق بماند وهرچه هم زمان بگذرد این پرونده قطورتروحل آن دشوارتر خواهد شد در حالیکه بهترین موقع همین زمان است که بموازات حل فصل مسائل هسته ای، آن مسائل مورد ادعای آمریکا هم در راه حل جامع افزوده شود واین مسئله ای است که رژیم باید در فرصت تا تیرماه آنرا جا اندازی کند.

حل وفصل ادعای نقض حقوق بشرو تروریسم وغیره امری بسیار ساده وپیش پا افتاده است، چنانکه از همان طریق ساده نام جمهوری اسلامی وحزب الله ازلیست تهدید های تروریستی ایالات متحده حذف شد.

به خبر مزبور توجه فرمائید:

در تاریخ ۲۵ اسفند ماه سال ۹۳ در گزارشی که مدیراطلاعات ملی آمریکا به مجلس سنای آن کشور داد اعلام کرد که جمهوری اسلامی و حزب الله از لیست تهدید های تروریستی آمریکا خارج شده اند.

این گزارش غیرمحرمانه که در هفتم اسفند ماه دروب سایت رسمی سازمان ملی اطلاعات آمریکا منتشر شده، به تلاش ایران در مبارزه با گروه های سنی افراطی و همچنین گروه داعش اشاره شده است.

ملاحظه میکنید که به چه سادگی تنها بایک مانور جمهوری اسلامی در مبارزه با داعش پرونده تروریستی جمهوری اسلامی بسته شد و ایران و حزب الله که سالها در لیست تروریستی آمریکا جا سازی شده بودند خارج شدند.

این جریان نشان میدهد که حل مسئله ادعای آمریکا مبنی بر موضوعات حقوق بشرو حمایت از گروه های تروریستی موضوعی نیست که مانند مسئله هسته ای با دشواریهایی روبرو باشد.

### تالی فاسد

جریان مزبور یعنی خواست جمهوری اسلامی به حل و فصل ادعاهای آمریکا نسبت به حقوق بشرو غیره این تالی فاسد را دارد که عمل آمریکا در تحریم کشورها بمناسبت عدم رعایت حقوق بشرو ادعاهای دیگر سنت در حقوق بین الملل میشود که هر کشوری راکه آمریکا بخواهد گرفتار بلای این ادعا و لاجرم تحریم های کنگره بنماید.

درکمال تاسف این فساد عظیم که برای اولین دفعه ایران را هدف قرارداد در موافقت نامه ژنو به تصدیق و موافقت جمهوری اسلامی رسیده است، و هم ایران را گرفتار ساخت و هم همه کشورهای طعمه کوسه ساخته است.

### حاشیه بسیار با اهمیت

رادیو فردا که برنامه مفصلی نسبت به گزارش مدیراطلاعات ملی آمریکا درباره خروج ایران از لیست تروریستی و تهدید آمریکا منتشر ساخت؛ گفت در گزارش مزبور که ارزیابی تهدیدات جهانی نام دارد نقش ایران در خاومیان به عنوان کشوری تعریف شده که سعی در فروکاستن آتش جدائی طلبی دارد.

### قابل توجه رئیس شورای تجزیه طلبان

وقتی خبر را خواندم بسیار متاسف شدم که جمهوری اسلامی باید ساعی در فروکاستن آتش جدائی طلبی در منطقه معرفی شود ولی اپوزیسیون جمهوری اسلامی بنام شورای تجزیه طلبان!! ساعی در برافروختن آتش جدائی طلبی باشد.

### موضوع گم دوم

موضوع دیگری که نگران کننده است موضوع خسارات کشورها از همکاری با شورای امنیت در جهت اجرای تحریم های علیه ایران است.

در هیچ جا دیده نشده که موضوع مزبور مورد توجه نمایندگان جمهوری اسلامی در مذاکرات هسته ای قرار گرفته باشد. اینطور بنظر میرسد که سیاست جمهوری اسلامی (از این ستون به آن ستون فرج است = چو فردا شود فکرفرداکنیم) است و به تبعات قطعنامه های شورای امنیت و موافقت نامه ژنو اهمیت لازم را نمیدهد و تصور میکند همینکه احتمالاً قطعنامه ای برای نقض قطعنامه های سابق صادر شد کار تمام است.

### خیر، سرگنده زیر لحاف است

اصل جبران خسارت شخص زیان دیده که در حقوق همه کشورها جاری است در حقوق بین الملل هم برسمت شناخته شده است. ژان ژاک رسو در باب مسئولیت کشورها در تامین خسارت وارده در حقوق بین الملل میگوید: «مسئولیت در حقوق بین الملل آنست که بموجب آن دولت ناقض یک قاعده بین المللی موظف میشود خسارات حقوقی از این نقص رابه دولت زیان دیده بپردازد»

### خسارت کشورهای تحریم کننده ایران

وال استریت جورنال چندی قبل مقاله ای داشت که در تحریر (آراستگی دفاع در مقابل تحریمها قسمت سوم)<sup>۱</sup> به آن استناد شده است. وال استریت خسارات آمریکا را از جریان تحریم های علیه ایران ۱۷۵ میلیارد دلار بعلاوه از دست دادن ۶۰،۰۰۰ فرصت شغلی برآورد کرده است.

بر اساس اظهارات شخصیت های دیگر، کشورهای عضو اتحادیه اروپا بیش از آمریکا از تحریم ایران زیان دیده اند، در اظهار نظر آنها آمده است که آلمان تا ۷۳ میلیارد و فرانسه ۴۴ و ایتالیا ۱۳ و روسیه ۱۳ میلیارد خسارت تحریم های علیه ایران را کشیده اند (مشروح در همان تحریر اشاره شده)

بخشی از زیان تحریم ها بواسطه تبعیت و همکاری کشورها با سازمان ملل متحد در اجرای قطعنامه های ماده ۴۱ و ۴۲ شورای امنیت علیه ایران میباشد؛ بنابراین از باب مسئولیت، عامل ورود خسارت به کشورهای شریک در تحریم ایران، جمهوری اسلامی است، و اگر جمهوری اسلامی مسبب ارسال پرونده هسته ای از آژانس اتمی به شورای امنیت نمیشد، باب تحریم ها و ورود زیان به کشورها هم مطرح نمیگردید.

بنابراین از نظر حقوق بین الملل بشرحی که از نظر رسو آورده شد جمهوری اسلامی (ایران) مسئول جبران خسارات کشورها در اثر تحریمی است که شورای امنیت مقرر داشته است.

تصور نمیشود که کشورهای که در مسئله تحریم های شورای امنیت علیه ایران مشارکت داشته اند از مطالبه زیانهای وارده خودداری کنند، و میتوان باور داشت که یکی از دلایل مشارکت کشورها در همکاری قطعنامه های شورای امنیت اطمینان به وصول زیانهای حاصله از این همکاری و دعوت شورای امنیت است، والا کشوری که حساب و کتاب دارد و وضع مالی آشفته ای مثل ایتالیا دارد نمیآید ۱۳ میلیارد دلار خسارت تحریم های علیه ایران را تحمل کند.

حضور نماینده اتحادیه اروپا در مذاکرات هسته ای دلیلی است که حساسیت کشورهای اروپائی را نسبت به مسئله تامین زیانهای حاصله از مشارکت در امر تحریم های ایران نشان میدهد.

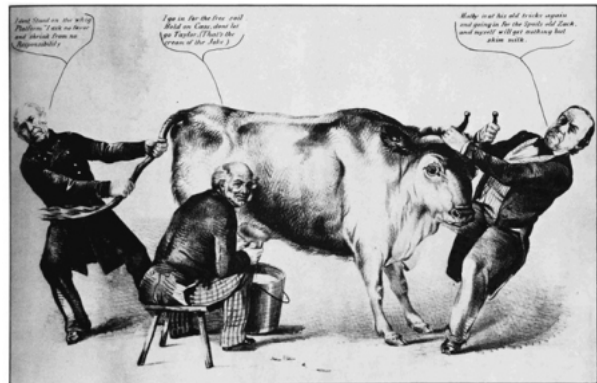
درست است که جمهوری اسلامی ادعا دارد که ارسال پرونده اتمی ایران به شورای امنیت کارقانونی نبوده ولی نه تنها این ادعا پیگیری نشده بلکه جمهوری اسلامی به کرات به اقداماتی دست زده و موافقتهایی کرده که اعراض از آن ادعا محسوب میشود.

**اینها و مشابهات آن دانه هائی است که سراز خاک بیرون خواهد کشید و سبب مطالبه از ایران بصورت مال و یا امتیاز در خواهد آمد.**

درمان این مشکل، با سر زیر برف کردن جمهوری اسلامی ممکن نیست باید هم اکنون که مسئله تفاهم با غرب مطرح است از این ادعاها بنحوی که متضمن کلیت باشد رفع اثر بشود چیزی شبیه به قرارداد ۱۹۸۱ آزادی گروگان ها. یادمان نرود؛ با آنکه قرارداد الجزایر مقرر کرده که مجازات های اقتصادی و تجاری لغو و دارائی های مسدود شده ایران آزاد خواهد شد تاکنون که ۳۵ سال میگذرد آمریکا به این تعهد عمل نکرده تاچه رسد که دم گاوی هم مانند راستی آزمائی و یک سری ادعاهای حقوق بشری و تروریستی و غیره در دستش باشد.



**در سالهایی که مسئله برده داری در آمریکا رواج داشت، برده داری بین سه گروه مشخص در کش و کش بود. شخصی که دم گاو را می کشد (تیلور) می گوید: «من دنبال امتیاز نیستم و مسئولیت های خود را کاهش میدهم» و آن که شیر میدوشد، (وان بورن) می گوید: «من دنبال زمین مجانی**



**هستم، دم را بچسب تیلور، نگذار از دستت در برود» و آنکه شاخ گاو را چسبیده می گوید: «متی دنبال نخالگی و کلک کهنه خودش است و من چیزی گیرم نخواهد آمد جز شیری که چربی اش گرفته شده»**

**گاو بیچاره هم برده داری را نشان میدهد. ولی وضع جمهوری اسلامی شباهتی به سزا به این «گاو» دارد.**